





دانشگاه پیام نور
دانشکده حقوق و علوم اسلامی
گروه حقوق
پایان نامه
جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه:
تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم

استاد راهنما:

دکتر عباس نظیفی

استاد مشاور:

دکتر علی اصغر نژاد فرید

نگارش:

آزیتا اسدپور

پاییز ۱۳۸۸

تقدیم به پدر و مادر عزیز و مهربانم:

که با حمایت‌های بی دریغشان همواره پشتوانه محکمی
در زندگی من هستند.

تشکر و قدردانی

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

بر خود لازم می دانم که از زحمات اساتید گرانقدر و بزرگوارم جناب آقای دکتر عباس نظیفی که در طی مراحل تحصیل و همچنین تدوین و تهیه این پایان نامه از مساعدت های فکری ایشان بهره مند بودم و از جناب آقای دکتر علی اصغر اصغر نژاد فرید که همراهی و مشاوره ایشان راهگشا من بودند تشکر و قدردانی نمایم ، امید است توانسته باشم زحمات این بزرگواران را جبران نمایم .

چکیده

خسارت معنوی یکی از مهمترین اقسام خسارت می باشد و مشمول این قاعده کلی است که « هر نوع خسارت نامشروع و نامتعارف باید توسط عامل ایجاد آن جبران گردد و هیچ ضرری بدون جبران باقی نمی ماند.» با توجه به اهمیت و جایگاه خسارت معنوی ناشی از جرم، می بینیم زمانی فرد زیان دیده از جرم متحمل خسارت مالی شده است به تبع آن جرم، شخصیت روحی و روانی او نیز آسیب می بیند .

این ضرر و خسارت ناشی از جرم، منحصر به ضررهای مادی و مالی نیست و انسان گاه در برابر لطمات روحی نیز آسیب پذیر است. اگر چه این آسیبهای روحی گاهی توسط آسیب دیده بروز نمی یابد و در نتیجه این آسیب روز به روز اثرات روانی جبران ناپذیری بر فرد به جای می گذارد، بنابراین لازم است علاوه بر ضررهای مادی، ضررهای معنوی وارده به اشخاص (که گاه از ضررهای مادی، تأثیر بیشتری دارد) نیز باید مورد حمایت قانون بوده و وارد کننده ضرر، ملزم به جبران آن شود.

خسارت معنوی متوجه بعد معنوی شخصیت انسان از قبیل شرافت، کرامت، آزادی، شهرت و ... می شود. در شرع مقدس اسلام با توجه به قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی السلام» ایراد هر گونه خسارت بطور مطلق نهی شده است و شرع مقدس امری را ممنوع نکرده است مگر آنکه برای آن ضمانت اجراء کیفی و یا مدنی منظور شده باشد. البته تعیین و ارزیابی خسارت معنوی به راحتی خسارت مادی نخواهد بود صدمه به حیثیت و اعتبار اجتماعی و عزت و احترام اشخاص از مصادیق خسارت معنوی محسوب می شود و برای رفع آثار این صدمات و جبران خسارت آن به گونه ای که رضایت زیان دیده را تا حدودی بر آورده سازد مجازات تعیین شده است و آن را به عنوان تعزیر در اختیار حاکم قرار داده است.

بر این اساس در صورتی که تمام شرایط و ارکان جبران خسارت ناشی از جرم وجود داشته باشد ، زیان دیده حق خواهد داشت جبران تمام زیان های مالی یا معنوی خود را از عامل زیان بخواهد و او ملزم به جبران زبانی است که به آورده است.

به دلیل ماهیت غیر مادی و نامحسوس این نوع خسارت و عدم ارزیابی و تعیین میزان دقیق آن و فقدان یک ملاک و ضابطه مشخص برای سنجش میزان خسارت و ارتباط مستقیم با شخصیت و جایگاه اجتماعی اشخاص و ارزش اجتماعی و کم سابقه بودن جبران مادی این خسارت ها ، تمایل به مطالبه خسارت و جبران مالی این نوع خسارت ها کمتر وجود داشته است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در دهه های اخیر ، محاکم ایران از رسیدگی و صدور حکم در خصوص جبران خسارت معنوی ناشی از جرم ، علی الظاهر به جهت اینکه این موضوع در شریعت مقدس اسلام مبهم می باشد، خودداری می نمایند. سکوت گذاشتن موضوعی در اسلام ، نمی تواند بمعنای عدم جواز آن باشد. ما مسائل بسیاری را ملاحظه می نمایم که در جوامع اسلامی قانونگذار آن را تجویز نموده ، لیکن اسلام راجع به آن نظری نداشته است. می توان به استناد به قوانین موجود و یا احکام و نصوص شرعی و فقهی و نیز به حکم عقل تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم، رابه دو صورت مادی و مالی یا غیر مادی و یا با استفاده از هر دو طریق جبران کرد. در تعیین خسارات معنوی ناشی از جرم همواره باید میزان خسارت وارده با توجه به اوضاع و احوال متضرر از جرم تعیین و تقویم گردد. دیه بعنوان پیش بینی برخی از منافع مادی و معنوی اعضای جسم در حقوق اسلامی پیش بینی شده و این خود مبین جبران خسارت از طریق مالی است.

در حقوق اسلام خسارت معنوی قابل جبران است و در موارد زیادی هم برای جبران آن چاره اندیشی شده است و در مواردی که شارع یا قانونگذار ساکت است، دادگاه باید بر اساس شرایط و اوضاع و احوال حاکم و موقعیت زمان و مکان و استفاده از تجربه سیستم های حقوقی و دکترین حقوقی پاسخ مناسب را بدهد، در این میان نظرات و راهنماییهای مراجع عالیقدر دینی نیز می تواند در تعیین خسارات معنوی ناشی از جرم ، مراجع قانونی را مساعدت کند تا در امکان جبران اینگونه خسارات دیگر تردیدی نداشته باشند.

واژگان کلیدی: خسارت معنوی - جبران - قانون - جرم - خسارت

Moral damage-compensation-law-crime-damage

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
پیشگفتار.....	۴
الف-تعریف مسأله و بیان سؤالات اساسی تحقیق.....	۵
ب-سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....	۵
ج-فرضیه.....	۵
د-اهداف و کاربردهای تحقیق.....	۶
و-روش انجام تحقیق.....	۶
ه-تاریخچه.....	۷
فصل اول: مفهوم و ماهیت جرم و خسارت، خسارت معنوی.....	۱۴
بخش اول: جرم و خسارت.....	۱۵
مبحث اول: جرم.....	۱۵
گفتار اول: معنای لغوی و قرآنی جرم.....	۱۵
گفتار دوم: جرم از دیدگاه حقوقدانان و فقهای دینی.....	۱۶
مبحث دوم: خسارت.....	۱۸
گفتار اول: معنای لغوی و قرآنی خسارت.....	۱۸
گفتار دوم: خسارت از دیدگاه فقهای دینی و حقوقدانان.....	۱۹
گفتار سوم: انواع ضرر و زیان.....	۲۱
مبحث سوم: مقایسه جرم و خسارت.....	۲۳
گفتار اول: تعریف جرم جزایی و جرم مدنی.....	۲۳
گفتار دوم: ویژگیهای جرم جزایی و جرم مدنی.....	۲۴

نتیجه بخش اول.....	۲۶
بخش دوم: خسارت معنوی ناشی از جرم.....	۲۷
مبحث اول: خسارت معنوی.....	۲۷
گفتار اول: معنای لغوی خسارت معنوی.....	۲۷
گفتار دوم: خسارت معنوی در حقوق داخلی و حقوق خارجی.....	۲۸
گفتار سوم: مبانی فقهی خسارت معنوی.....	۳۱
مبحث دوم: ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم.....	۳۶
گفتار اول: نحوه ادعای زیان‌دیده از جرم.....	۳۷
گفتار دوم: آیا لازمه هر خسارتی جرم است یا خیر؟.....	۴۱
نتیجه بخش دوم.....	۴۸
فصل دوم: شرایط مطالبه و لزوم جبران خسارت معنوی ناشی از جرم.....	۴۹
بخش اول: مطالبه خسارت معنوی.....	۵۰
مبحث اول: شرایط مطالبه خسارت.....	۵۰
گفتار اول: ارکان و مبانی مطالبه خسارت معنوی.....	۵۰
گفتار دوم: مبانی مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرم.....	۵۵
مبحث دوم: جبران خسارت معنوی از دیدگاه فقه اسلامی.....	۵۷
گفتار اول: آیا برآستی خسارت معنوی قابل جبران است؟.....	۵۷
گفتار دوم: مبانی فقهی جبران خسارت معنوی.....	۶۴
گفتار سوم: دیدگاه‌های فقهاء پیرامون جبران خسارت معنوی.....	۷۰
نتیجه بخش اول.....	۷۵
بخش دوم: مبانی قانونی و فرضیه‌های حقوقی در خصوص لزوم جبران خسارت معنوی.....	۷۶
مبحث اول: جبران خسارت معنوی از دیدگاه مبانی قانونی.....	۷۶
گفتار اول: جایگاه جبران خسارت معنوی در قوانین جمهوری اسلامی ایران.....	۷۶
گفتار دوم: مطالعه تطبیقی جبران خسارت معنوی.....	۱۰۶

- ۱۱۰.....مبحث دوم: فرضیه های حقوقدانان در خصوص لزوم جبران خسارت معنوی.....
- ۱۱۱.....گفتار اول: مبانی نظریه عدم امکان جبران مالی خسارت معنوی.....
- ۱۱۳.....گفتار دوم: نظریه جبران بی قید و شرط خسارت معنوی.....
- ۱۱۴.....گفتار سوم: سیستم مختلط جبران خسارت معنوی.....
- ۱۲۰.....نتیجه بخش دوم.....
- ۱۲۱.....فصل سوم: نحوه ارزیابی و تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم.....
- ۱۲۲.....بخش اول: ارزیابی و تعیین میزان انواع خسارات معنوی.....
- ۱۲۲.....مبحث اول: ضرورت ارزیابی خسارت معنوی.....
- ۱۲۴.....گفتار اول: شرایط و نحوه جبران خسارت معنوی.....
- ۱۲۵.....گفتار دوم: شیوه ارزیابی خسارت معنوی ناشی از جرم.....
- ۱۳۱.....گفتار سوم: روشهای تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم.....
- ۱۳۵.....گفتار چهارم: روشهای تعیین مبلغ جبران خسارت.....
- ۱۳۷.....مبحث دوم: تعیین خسارت معنوی وارد بر اشخاص حقیقی.....
- ۱۳۷.....گفتار اول: خسارت جسمانی یا صدمات بدنی.....
- ۱۴۲.....گفتار دوم: لطمه های روحی.....
- ۱۴۶.....گفتار سوم: خسارت شخصیتی و حقوق مربوط به آن.....
- ۱۴۸.....مبحث سوم: ارزیابی و تعیین خسارت معنوی ناشی از جرایم به طریق پرداخت دیه.....
- ۱۴۹.....گفتار اول: ارزیابی خسارت معنوی ناشی از جرایم مستوجب حد.....
- ۱۵۶.....گفتار دوم: رویه قضایی و جبران خسارت معنوی به طریق مادی.....
- ۱۶۱.....نتیجه بخش اول.....
- ۱۶۲.....بخش دوم: مطالبه خسارت معنوی از ناحیه وراثت و بازماندگان.....
- ۱۶۳.....مبحث اول: مطالبه جبران خسارت معنوی ناشی از زیان شخصی و مستقیم به بازماندگان.....
- ۱۶۳.....گفتار اول: مطالبه جبران خسارت معنوی و افراد مستحق دعوا.....
- ۱۶۴.....گفتار دوم: مطالبه جبران خسارت معنوی ناشی از نفس فوت مجنی علیه.....

- مبحث دوم: مطالبه خسارت معنوی وارده به متوفی از ناحیه وراث و بازماندگان زیان دیده.....۱۶۵
- گفتار اول: مطالبه خسارت معنوی وارده قبل از فوت متوفی۱۶۵
- گفتار دوم: مطالبه خسارت معنوی ناشی از جرح منجر به فوت منجی علیه از ناحیه
- وراث و به عنوان قائم مقام.....۱۶۷
- گفتار سوم: مطالبه خسارت معنوی ناشی از فوت منجی علیه از ناحیه وراث.....۱۶۹
- گفتار چهارم: وقوع جرم و عدم مطالبه خسارت معنوی ناشی از آن۱۷۱
-
- نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۷۴
- واژگان..... ۱۸۳
- فهرست منابع و مقالات..... ۱۸۴
- منابع اینترنتی..... ۱۹۱
- قوانین و برخی آراء..... ۱۹۲

مقدمه

هدف کلی حقوق، ایجاد نظم و استقرار عدالت است. با وجود آن که انسان دارای ۲ بعد مادی و معنوی می‌باشد، اما حقوق صرفاً به بعد مادی انسان می‌پردازد و با اهمیت دادن به این جنبه در پی دستیابی به اهداف بزرگی همچون حفظ نظم، استقرار عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و رفع خصومت است. بر این اساس قانون‌گذار بخش بزرگی از توجه خود را معطوف به بحث خسارت‌های مادی نموده و از مسئله مهم خسارت‌های معنوی غافل مانده است.

در جوامع اولیه بشری خسارات وارده به افراد منحصر به خساراتی بود که قابل سنجش بودند، به بیان دیگر مادی بودند و می‌شد آنها را اندازه گرفت. ولی به مرور زمان و با پیشرفت جوامع دامنه خسارات حاصله از یک عمل نیز وسعت بیشتری یافت. در گذشته جبران خسارات صرفاً برای ترمیم ضرر و زیان مالی و مادی بود، ولی کم کم خسارات دیگری نیز به این نوع خسارات افزوده شد که از آن جمله خسارت‌های ممکن الحصول و حتمی الحصول بود، اوج تکامل حمایت قانون از افراد در الزام متهم و یا مجرم برای جبران خسارات معنوی زیان دیده بود. همان‌گونه که حقوق باید اموال منقول و غیرمنقول اشخاص را از تعرض و تجاوز حفظ نماید، ضرورت دارد قواعد الزام‌آوری پیش‌بینی شوند تا حیثیت، اعتبار و متعلقات غیرمادی افراد را از توهین‌ها، تهمت‌ها، دسیسه‌ها و تعرض‌ها حفظ نمایند.

حاکمیت قانون موجب شده است که حمایت از تمامیت جسمانی و حیثیت معنوی انسان مورد توجه قرار گرفته و تعدی به آن که در واقع هتک حرمت به شرافت و کرامت انسان به حساب می‌آید، جرم شناخته شود و مستوجب مجازات شود.

خسارت معنوی یکی از مهمترین اقسام خسارت می‌باشد و مشمول این قاعده کلی است که « هر نوع خسارت نامشروع و نامتعارف باید توسط عامل ایجاد آن جبران گردد و هیچ ضرری بدون جبران باقی نمی‌ماند.» بحث مربوط به خسارت‌های معنوی تنها در مسؤولیت مدنی مورد بررسی جدی قرار گرفته است اما در حقوق جزا به طور ناقص به این مبحث مهم توجه شده است.

با وجود آن می‌توان در مسائل حقوقی مصادیقی از خسارت معنوی را یافت که غالب این خسارت‌ها از یک موضوع کیفری نشأت گرفته که ریشه در جرم دارند و متأسفانه عکس العمل جامعه و قانون در مقابله با جرم یک مجرم نشان می‌دهد که در بیشتر مواقع مجازات مجرم و اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت سابق از طریق

جبران زیانهای مادی بر می گردد. اما هر گاه علاوه بر خسارت مادی، موضوع خسارت معنوی هم در میان باشد متأسفانه به این موضوع مهم چندان توجه نمی شود. جبران خسارت معنوی ناشی از جرم و توجه به آن از این حیث مهم است که این خسارات به مهم ترین بعد از ابعاد وجود و شخصیت انسان که همان بعد معنوی و روحانی میباشد، ایراد لطمه نموده و آنرا متضرر می نماید.

از نظر اسلام خسارت معنوی در جنبه های گوناگون آن یعنی صدمات جسمی و روحی، لطمه های حیثیتی و شخصیتی تا حدی که امکان دارد و قابل جبران است، باید جبران شود. این دین آسمانی از آن جهت که اصل را در مورد همه امور، غیر از ماده و مادیات دانسته و توجه اساسی را به معنی و معنویت مبذول داشته است، بر همین اساس به جبران خسارتهای مادی تاکید داشته است و به دنبال آن توجهی به خسارت معنوی و لزوم جبران آن نیز دارد.

موضع حقوق اسلام و ایران در این زمینه، حمایت از شخص زیان دیده و جبران خسارت وارد بر او در چار چوب ساختمان حقوقی اسلام و بنیاد های اعتقادی، اجتماعی، تاریخی ایران است که در این میان بهره گیری از عوامل پویای فقه مانند عقل مستقل، بناء عقلاء و قاعده لاضرر، خسارت معنوی و روشهای جبران آن را در حقوق ایران و اسلام می توان اثبات کرد.

زمانی که ما خسارات وارد بر اجسام و اموال که فرعی و فانی هستند را به نحوی از انحاء و از طرق قانونی جبران می نماییم، ولی در صدد جبران خسارت معنوی که اغلب آثار و نتایج زیانبار معنوی دارند، نباشیم. چه بسا در این موارد لطمات جبران ناپذیری به بعد روحانی و معنوی انسانها که منشاء همه صفات و ملکات فاضله انسان است، وارد می آید. از آن طرف، شریعت مقدس اسلام بر اساس اصول و قواعد کلی از جمله قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» ایراد هر گونه ضرر و خسارت را به اشخاص، چه ضررهای مادی و چه ضررهای معنوی را به طور کلی ممنوع کرده است.

در حقوق موضوعه ایران، جبران خسارت معنوی مورد اشاره قرار گرفته است. اما با این وجود، هنوز شرعی بودن یا نبودن مطالبه چنین خسارتی و همچنین نحوه جبران آن مورد اختلاف است. این در حالی است که ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم، بخش مهمی از ضرر و زیانهای وارده به اشخاص در اثر جرم را تشکیل می دهد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله در اصول ۳۹ و ۴۰، ایراد هر گونه ضرر و خسارت بطور کلی ممنوع شده است. در قوانین عادی نیز تلویحاً و یا بالصراحه اشاراتی راجع به خسارت معنوی شده است (از جمله مواد ۹ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی، ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی) که این امر نشانگر توجه شایان قانونگذار به موضوع خسارت معنوی می باشد.

قیمت‌گذاری آلام وارد شده بر قربانی در جرایمی چون جراحات شدید و تجاوز جنسی اگر چه بسیار زشت و ناپسند است اما این عمل به معنای تدارک کامل رنج‌های تحمیل شده به قربانی نیست، بلکه شبیه پرونده‌های معمولی است. به فرض اینکه بر اثر مسامحه کارکنان بیمارستان در جریان یک عمل جراحی، بیماری پای خود را از دست بدهد، بدیهی است هیچ چیز نمی‌تواند پای از دست رفته را به او بازگرداند، با وجود این، بیمار بیچاره خسارت پرداخت شده به او را به عنوان دست‌کم بخشی از زیانی که متحمل شده است می‌پذیرد و این مورد تصدیق عمومی است.

پاره‌ای از خسارات با اعمال مجازات قابل جبران است و برخی دیگر با تعیین دیه و پرداخت پول و در بعضی موارد صدور حکم محکومیت خوانده یا اعلام عذر خواهی او یا زدودن آثار خسارت و مانند آن می‌تواند خسارت وارده را به کلی و تا حدود زیادی جبران نماید. پس این که گفته شده است خسارت معنوی قابل جبران نیست یا از طریق مادی قابل جبران نیست ناشی از عدم دقت محض و تعمق در نتایج فقهی است.

با وجود پیش‌بینی امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی در نصوص قانونی، صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت معنوی همواره با مشکل مواجه است که معمولاً شامل تعیین میزان خسارت معنوی وارد بر متضرر از جرم و همچنین عدم معیار صحیح و قابل اعتمادی که قضات محاکم با اقتناع وجدان به جبران خسارت رای نهایی را صادر نمایند.

بهر صورت با بررسی در محدوده قوانین و مقررات لازم الاجراء فعلی، بالاخص قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون مسؤولیت مدنی، آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و منابع معتبر فقهی، به بحث و تجزیه و تحلیل پیرامون خسارت معنوی ناشی از جرم بویژه آثار حقوقی و کیفری آن می‌پردازیم، تا با اثبات مشروعیت موضوع، توجه رسیدگی و تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم، مورد توجه مراجع قضایی واقع گردد، و در نهایت زمینه‌های دستیابی به نظم واقعی و استقرار عدالت و ایجاد محیط مساعد جهت ارتقاء فضائل اخلاقی، تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، ایجاد امنیت و آسایش همگانی و سایر اهداف مندرج در قانون اساسی فراهم آید.

پیشگفتار

اقامه دعوی در دعوی عمومی به عهده مدعی العموم است ولی اقامه دعوی خصوصی به عهده زیان دیده از جرم است. مدعی علیه در دعاوی عمومی تنها مجرم یا مجرمین و معاونین آنها خواهد بود ولی در دعاوی خصوصی علاوه بر افراد مزبور، قائم مقام قانونی آنها می توانند وارد دعوی شوند. بنابراین همان گونه که اقامه دعوی خصوصی مانع از مطالبه جبران خسارت مالی نیست، اقامه دعوی عمومی، مانع از مطالبه ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم نخواهد بود.

ایده اصلی آن است که حقوق کیفری ما بتواند جایگاه خسارات معنوی ناشی از جرم را تا آنجا که امکان دارد بهبود ببخشد و به قانونگذار این امکان داده شود که همراه با روشن بینی متکی به مبانی مستحکم فقهی و حقوقی، جایگاه جبران خسارت معنوی را همگام با جبران خسارت مادی قرار دهد. البته این موارد به قضات مانیز اعتماد به نفسی اعطاء خواهد کرد تا نسبت به ایجاد رویه قضایی در تعیین خسارتهای معنوی ناشی از جرایم به روشهای متنوعی اعم از مالی یا غیر مالی، مبادرت ورزند.

این پایان نامه در سه فصل نگارش یافته است. هر فصل شامل بخشها و مباحث و گفتارهایی است که به فراخور مطالب هر فصل عناوینی به آنها اختصاص داده شده است. فصل اول به مفهوم و ماهیت جرم، خسارت، خسارت معنوی اختصاص دارد. فصل دوم به شرایط مطالبه و لزوم جبران خسارت معنوی ناشی از جرم می پردازد و فصل سوم نیز مطالبی را در مورد نحوه ارزیابی و تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم بیان می کند.

الف-تعریف مساله و بیان سؤالات اصلی تحقیق

حقیقت امر آنستکه علاوه بر خسارتهای مادی، که شامل مصادیقی از قبیل تلف شدن مال یا تفویت منفعت، ایجاد نقصان در اموال و مواردی از این قبیل را شامل می گردند، که کاملاً با پول و مال قابل جبران هستند، مصادیق دیگری از خسارت، تحت عنوان «خسارت معنوی» وجود دارند که متوجه امور مالی نبوده بلکه موضوع آن مواردی از قبیل آبرو و حیثیت و عواطف و شهرت و غیره می باشد، که به جهت آنکه بطور دقیق قابل سنجش با پول یا مال نیستند، جبران آن نیز نسبتاً دشوار میباشد. در هر جامعه ای افراد برای حیثیت و شأن اجتماعی خود و دیگران ارزش بسیاری قائل هستند و با توجه به روحیات و ارتباطات اجتماعی دارای یک سری احساسات معنوی نیز هستند که بوسیله آنها با دیگران تعامل داشته و مورد احترام قرار می گیرند، حال در صورتی که خدشه ای به این احساسات وارد شود بحث از ضرر و زیان معنوی است.

«هر گونه ضرری که متوجه حیثیت، شرافت و آبروی شخص یا بستگان وی گردد و به لحاظ آن به اعتبار اجتماعی یا فردی نیز لطمه ای وارد و منجر به تألم روحی شخص شود، خسارت معنوی گویند.»
و اما سؤال اصلی به شرح زیر می باشد:

خسارت معنوی در نظام ما چگونه پیش بینی شده است؟

ب-سابقه و ضرورت انجام تحقیق

بحث های جزئی و پراکنده در کتب اساتید محترم حقوق و فقهاء محترم، تصریحاً و یا تلویحاً در خصوص خسارتهای معنوی ناشی از جرم بعمل آمده است و سوابقی در خصوص این تحقیق موجود است اما بسیار ضعیف می باشد. لیکن با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت دارد که تحقیقات و مطالعات جامع تر و دقیق تری پیرامون این موضوع بعمل آید.

ج-فرضیه

در نظام ما همه جوانب در بحث جبران خسارت معنوی ناشی از جرم به خوبی پیش بینی نشده است.

د-اهداف و کاربردهای تحقیق

هدف از انجام تحقیق آن است که، پس از مطالعات گسترده حقوقی و فقهی، توجه بنیادین به بحث تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم از سوی نهادهای قانونگذاری شود و به دنبال آن تدوین و تصویب قوانین مستقل را به همراه داشته باشد.

و اما کاربردهای این تحقیق، با توجه به اینکه موضوع خسارت معنوی ناشی از جرم، در قوانین موضوعه ایران و فقه اسلامی پیش بینی شده است، لیکن راهکارهای عملی آن به صراحت بیان نشده است، بنابراین لازم است که تحقیقات کامل و دقیق پیرامون این موضوع همراه با اصلاحاتی در نظام قانونگذاری ما همراه باشد.

و-روش انجام تحقیق

در این تحقیق از منابع موجود در کتابخانه ها و اینترنت استفاده شده است.

ه- تاریخچه

فایده ذکر تاریخچه هر موضوع در آن است که محقق را به جریان طبیعی و عادی آن آگاه کرده، حسن مقایسه در او ایجاد می کند و با اطلاعاتی که بدست می آورد دقیق تر و عمیق تر شده و می تواند در خصوص تغییرات حاصله بررسی لازم را انجام دهد و از کیفیت آن اطلاع حاصل نماید تا در صورت ضرورت مثلاً برای تفسیر و استنباط آن موضوع از آن بهره گیرد.

انسان همیشه به این نکته توجه دارد که از ایراد هر گونه آسیب و لطمه ای به خود جلوگیری کند و این توجه و احساس، لازمه بقا و حفظ حیات و دفاع از نفس بوده و از غرایز فطری نوع بشر است. این غریزه و احساس در انسانهای اولیه قوی تر بوده، زودتر تحریک شده، چرا که در اینگونه جوامع دولت و یا حکومتی که حفظ حقوق افراد و نظم اجتماعی را عهده دار باشد وجود نداشته^۱ و بجای آن به ناچار، اشخاص خود در مقام دفاع از نفس و مال خویش و حتی در اجرای مجازات و ترمیم ضرر و زیان وارده قیام می کردند. در این دوران که میتوان آن را دوره «انتقام خصوصی» نامید، تمایلات و احساسات افراد، آزاد و انتقام خصوصی یگانه وسیله دفاع از تعدی به اشخاص یا اشیاء بوده است و فردی که به جسم یا دارایی و یا عواطف او زیانی می رسید، مسبب زیان را همانگونه که خود زیان دیده بود، مجازات می کرد.

حتی اعراب انتقام شخصی را آبروی اجتماعی خود محسوب می کردند و می گفتند که «النار و لا تترك الثار» یعنی ما حاضریم جهنم را انتخاب کنیم ولی از انتقام خصوصی صرف نظر نمی کنیم. در این دوره زیان دیده بیشتر به ارضای تمایل نفسانی خود توجه داشت تا به کسب و جبران آنچه از دست داده بود. با پیشرفت تمدن خواه به دلیل اینکه قبایل تشکیل و با یکدیگر ممزوج شده و تشکیل قدرت مرکزی داده و خواه به علت خستگی از جنگ و خونریزی و اجتناب از هرج و مرج و آشوب، زیان دیده به قبول «عوض» یا خونبها تن داده و شاکی از انتقام چشم می پوشید و بجای انتقام از مقصر و مقابله به مثل با جسم و جان وی، تقاضای غرامت از او می کرد و نفعی مادی می گرفت. البته این معادل چندان تناسبی نداشت ولی میزان آن را توافق طرفین معین می کرد، این مرحله را دوره ی «عوض» یا معادل ارادی نامیده اند^۲. میزان و نرخ این مبلغ که از طرف اصحاب

۱- نوریها، رضا- زمینه حقوق جزای عمومی- انتشارات کتابخانه گنج دانش- تهران-۱۳۸۵- چاپ شانزدهم- ص ۷۹ به بعد

۲- علی آبادی، عبدالحسین- حقوق جنائی - انتشارات فردوسی-۱۳۶۷- جلد اول- چاپ اول - صص ۴۰-۸- فقیه نججیری، حسن- دعوی خصوصی در داد گاه جزا- پایان نامه دکتری دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی- تهران- بی تا- ۱۳۵۱- صص ۱۲-۸- صناعی، پرویز- حقوق جزای عمومی - انتشارات گنج دانش- تهران- جلد اول- چاپ چهارم- ص ۴۵

دعوی معین می شد، بعد ها از طرف قانون پیش بینی گردیده و برای آن تعرفه هایی از طرف قانون بصورت مدون تعیین شد.

قانون حمورابی که توسط پادشاه بابل قریب دو هزار سال قبل از میلاد مسیح تدوین شده از قوانین اولیه این دوران محسوب می شود که اگر در مقام احصاء خصوصیات قانون مذکور بر آئیم، بدون شک منع انتقام خصوصی، وضع قانون قصاص «چشم به چشم و دندان به دندان» و جبران خسارت زیان دیده و پذیرش مسؤلیت مدنی و ضمان قهری ناشی از جرم از جمله بارزترین این ویژگیهاست.^۱

الواح دوازده گانه رومیان نیز از کهن ترین حقوق انسانی حکایت می نماید. در این قانون از شدت احقاق حق خصوصی و فردی کاسته شده و قصاص و اخذ خونبها و مطالبه ترمیم زیان وارده با مراجعه به حاکم انجام می گرفت و در بعضی موارد قصاص به دیه تبدیل شده است، برای مثال هر گاه در اجرای قصاص نسبت به عضو، خطر سرایت به جان باشد قصاص به دیه اجباری تبدیل می شد. در الواح دوازده گانه، جرائم به دو طبقه عمومی و خصوصی تقسیم می گردید و مجنی علیه حق تعقیب مجرم را فقط در جرائم خصوصی که شامل اکثر جرائم آن زمان بوده را داشت و تعقیب آنها به ترک مدعی خصوصی متروک می شده است، اگر غرامتی و دیه ای تعلق می گرفت منظور از آن هم کیفر دادن و هم ترمیم ضرر و زیان مدعی خصوصی بوده است و جبران خسارت و اجرای مجازات بهم آمیخته بود و دیه اغلب در قانون تعیین شده و دارای مبلغی معین و معلوم بود.

پس از آن به دلیل تغییرات اقتصادی و اجتماعی و تنزل ارزش پول رومی، چون مبلغ دیه برای ترمیم زیانها و کیفر جرائم مناسب نبود، حکام در این امر تغییراتی داده و مقدار آن را به تناسب اوضاع و احوال قضیه و یا فقر و ملائت متهم یا زیان دیده، متغیر اعلام می کردند.^۲

موضوع تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم و لزوم جبران آن از قدیم الایام مورد توجه جوامع بوده است و حتی مجرمینی که با ارتکاب اعمال مجرمانه خود به حیثیت و شرافت انسانی لطمه وارد می کردند، با شدت و حدت بیشتری به مجازات اعمال خود می رسیدند. در بین جوامع و طوائف اولیه این باور وجود داشت، که مرتکبین اعمالیکه به حیثیت و شرافت و احساسات درونی لطمه می زنند، باید با شدت بیشتری عقوبت شوند و به همین دلیل جبران خسارت وارده، حائز اهمیت بیشتری بوده است. بسیاری از جنگ ها و درگیریها، بین طوائف و جوامع ابتدایی که گاهی سالیان دراز به طول انجامید، صرفاً به دلیل هتک حرمت و حیثیت و توهین توسط یکی از افراد قبیله به قبیله دیگر بوده است. بالاخص در زمانیکه اصل شخصی بودن مسؤلیت کیفری

۱- آشوری، محمد عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی- نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران- ۱۳۵۹- شماره ۷ - صص ۳۶-۱

۲- علی آبادی، عبدالحسین- حقوق جنائی ص ۹

هنوز پذیرفته نشده بود، بر مبنای مسؤولیت جمعی تمام قبیله از زیان دیده در مقام انتقام از قبیله ای که فردی از افراد آن به مقدمات و شئون معنوی آنها توهین کرده بود بر می آمدند.

اهانت به مقدمات مذهبی و ملی فرد یا قبیله، از موجبات اصلی بروز خسارت معنوی بوده، شخص خسارت دیده، معامله متقابل و یا انتقام جویی را حق مسلم خود می دانست. مسؤولیت مشترک اعضای قبیله ایجاب می کرد که همه افراد وابسته، علاوه بر خود شخص خسارت دیده، در اقدامات و احیاناً در درگیریهایی که جهت احقاق حق همه قبیله انجام می شد شرکت کنند، همچنین شخص زیان دیده از جرم حق داشت به جهت خسارتی که متحمل شده است، با دریافت کلایی در ازاء خسارت وارده و یا به نحو دیگر اعلام رضایت نماید که در چنین مواردی متعهد می گردید از اقدام به اعمال انتقام جویانه خودداری نماید.

با تحولات و پیشرفت جوامع انسانی و پدید آمدن دولتهای مستقل و تدوین قوانین و ضوابط عرفی طی قرون و سالیان متمادی، نظم حقوقی به شکل کنونی بوجود آمد که از جمله آثار و نتایج آن، حاکمیت اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری و طرد دادگستری خصوصی و اعمال حاکمیت دولتها جهت احقاق حقوق تفویض شده اشخاص می باشد.

یکی از اساتید می نویسد: « حقوق رم اصل جبران خسارت معنوی و روحی را در مورد دولتها و یا اشخاص قبول داشت و تحت تاثیر آن حقوق، اروپاییان و سیستم های حقوقی و انگلوساکسون و بلاخره دیگر ملل، لزوم جبران خسارت معنوی و روحی را از دیر باز پذیرفتند و اهمیت خاصی برای آن قائل شدند.» در حقوق بین الملل، اصل جبران خسارت معنوی، ناشی از اصل احترام به شئون دولتها و اتباع آنهاست. کنفرانس تدوین حقوق بین الملل در لاهه (۱۹۳۰) ضرورت جبران خسارت معنوی مورد تأیید دولتهای عضو قرار گرفت. لیکن با توجه به ذات این نوع خسارت، تعریف جامع و روشنی از آن بعمل نیامد و نتیجه تحقیق در این مورد و میزان آن به نظر دادگاه واگذار می شود.

راجع به افراد، محاکم بین المللی، خسارات معنوی را با پرداخت های پولی جبران می نمایند لیکن در مورد دولتها، جلب رضایت از طریق شناسایی و قبول جرم، روش مطمئنی جهت جبران اینگونه خسارت تلقی می گردد.

در قضیه توقیف دو کشتی فرانسوی بنام « مانویا » و « کارتاژ » که در دریای مدیترانه توسط نیروی دریایی ایتالیا صورت گرفته بود، وکیل دولت فرانسه در مقابل دیوان داور لاهه مبالغی را به شرح ذیل بعنوان ضرروزیان مالی و خسارت معنوی مطالبه نمود:

مبلغ یک فرانک بابت خسارت معنوی ناشی از بی احترامی به پرچم فرانسه در دریا.

مبلغ یکصد هزار فرانک بابت جبران خسارت معنوی و سیاسی ناشی از نقض قواعد حقوق بین الملل دریایی و همچنین نقض قراردادهای دو جانبه بین فرانسه و ایتالیا.

مبلغ ۵۷۶/۰۰۰ فرانک بعنوان ضرر و زیان مالی صاحبان کشتی ها.

بنابراین، دادگاه داوری می توانسته است بنا بر نظر و نیت مدعی، در مورد تعیین خسارت معنوی، مبادرت به تعیین مبلغی ولو «سمبولیک» نماید و یا اینکه این خسارت را با جلب رضایت اخلاقی جبران نماید، ولی دادگاه داوری، راه حل دوم را انتخاب و در حکم صادره می گوید: «بنظر دادگاه در صورتیکه دولتی تعهدات عمومی و یا خصوصی خود را نقض نماید، صرف شناسایی این عمل خلاف از طرف یک دادگاه داوری بخودی خود یک مجازات جدی تلقی می گردد.»^۱

ایشان در ادامه می نویسند: «در ماه اوت ۱۹۷۰، پلیس سنگاپور به سه نفر دانشجوی جهانگردی مالزی مشکوک شد و آنها را به کلانتری جلب نمود و پس از بازرسی های لازم چون دلیلی بر علیه آنان بدست نیامد آنها را آزاد نمودند. ولی قبلاً موهای سر آنها را که بلند بود تراشیدند، دولت مالزی با اطلاع از این جریان به استناد اینکه عمل پلیس سنگاپور به حیثیت آنها لطمه زده و آنان را دچار خسارت روحی و معنوی کرده است، شدیداً به آن دولت اعتراض نموده و حتی این مسأله باعث لغو مسافرت نخست وزیر سنگاپور به مالزی گردیده است.»^۲

در حقوق اسلام، هر چند به مسئله خسارت معنوی صراحتاً اشاره نشده است، اما در عمل، فقه غنی اسلام آنرا مورد توجه قرار داده است. برای مثال در حقوق اسلامی، حیثیت اشخاص و عرض و آبروی آنان بطور جدی مورد توجه شارع مقدس اسلام بوده و دارای اهمیت ویژه ای می باشد. تا آنجا که در مورد اهانت به مسلمانان (قذف) حد تازیانه در نظر گرفته شده است و در بسیاری از روایات آبرو و عرض مومن از خون و جان او برتر و والاتر دانسته شده و به ناموس الهی تعبیر گردیده و هتک آبروی مومن، هتک ناموس الهی به شمار آمده است. شریعت مقدس اسلام ضمن امضای نهاد دیات آن را بر نظام خاص مبتنی کرد. در قتل و جرح عمدی اصولاً نظام اختیاری دیه را بر گزیده و در قتل و جرح غیر عمدی و همچنین پاره ای از قتلها و جراحتهای عمدی تحت شرایط خاص نظام اجباری دیه را پذیرفت.

امام خمینی در کتاب شریف چهل حدیث در این خصوص می نویسند: «تبارک و تعالی غیور است و هتک مستور مومنین و کشف عورات آنان هتک ناموس الهی است.»^۳

۱- فیوضی، رضا- مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی- انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۵۶- چاپ اول - صص ۱۵۵-۱۵۴

۲- فیوضی، رضا- مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی- صص ۱۵۶

۳- موسوی الخمینی (ره)، روح الله - اربعین حدیث - موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - تهران - ۱۳۷۱ - چاپ چهارم - صص ۳۰۶